

سروده های در پیشان حالی

هموطنان عزیز! "سروده های در پیشان حالی" مجموعه اشعار پراکنده ایست که شاعر به هر مناسبت سروده است، گهی از درد و رنج دوری از وطن و زمانی از بیچارگی هموطنان حکایت دارد و گهی در غم و غم دوستان به سوک می نشیند و بغض گلویش را باز میکند و زمانی هم حال دل ریش خود را باز میگوید.

چنانچه سروده:

بیخبر از حال ملک و هموطن
در ردیف خودپرستانم هنوز

این مجموعه که "انتشارات بامیان" افتخار نشر آنرا دارد، تازه از طبع برآمده و نمونه ای از متن کتاب که به موضوع انتخاب و یا انتساب رئیس جمهور برای افغانستان بی مناسبت نخواهد بود، به دوستداران شعر و ادب تقدیم میگردد.

این مجموعه را میتوانید از انجمن فرهنگ افغانستان - شهر لیموز - فرانسه بدست بیاورید.

بقه ها در طلب آمر

اقتباس از "له فانتین La Fontane"

بقه ها گرد آمدند در دجله ای	تا کنند بر پا با هم جلسه ای
بی سر و سامانی را پایان کنند	این انارشی را دگر ویران کنند
تا بکی خود خواهی ها و خود سری	کار های ناحق و افسونگری
آن جمعیت خوش که دارد رهنما	آمر و سرکرده دارد در قفا
بهر مردم کار و خدمت میکند	ملتش را او قیادت می کند
در دوام جلسه شد منظور عام	تا برند این عرض در بالا مقام
بهر این تصویب شد هیأت تعیین	تا رسانند عرض را طور یقین
تا برند از مردم ما این پیام	نزد ژوپیتر رئیس عام و تام
تا که بفرستند بما یک رهنما	تا کند نظم جمعیت را بیا
گفت ژوپیتر به هیأت این چنین	حال تان گردد خراب طور یقین

زین نظر آخر پشیمان می شوید
 باز هم گر پافشاری می کنید
 میفرستم در همین یک یا دو یوم
 تا که این خواهش برآورده شود
 تا نگویند ژوپیتر مغرور بود
 هیئت از این امر بنمود امتنان
 ناگهان افتاد جسمی از هوا
 جسم بودی عالی و با شان و فر
 بقیه ها در غارها پنهان شدند
 منتظر بودند ز آمر یک صدا
 مدتی بگذشت و گفتاری نکرد
 چونکه آمر بی گزند و خوب بود
 آن همه مردم به روی و پشت و سر
 بقیه ها آخر هنگامه ای کردند پیا
 ای عجب! آمر فرستادی بما
 ما که میخواستیم یک شخص فعال
 آمر چون چوب چکار آید بما
 از ره الطاف بفرست آمری
 ژوپیتر بنمود به آنها این بیان
 بهتر است سازش نمایید با همین
 طفل های تان کند بیدست و پا
 میشود آواره خارج از وطن
 آخرین شانسیت دادم بر شما
 بقیه ها کردند این موضوع قبول
 آنچه او گوید رعایت می کنیم
 آمر ما دوست با ما میشود
 میدهد او ملک ما را شان و فر
 میشود فاکولته و مکتب زیاد
 هر نفر خدمت کند بهر وطن
 آمری کاید یقیناً بعد از این
 صبح گاهی گشت پیدا در فضا
 در میان دجله بنشست از فضا
 چشمهایش آتشین، منقار تیز
 گفت یومی شد نخوردم من غذا

ابتر و بدحال و ویران میشوید
 بر گیم بی اعتباری می کنید
 آمر بس خوب طبق میل قوم
 مردم هم از من نه آزرده شود
 از فریب ما بسی مسرور بود
 بوسه کرد از جان و دل آن آستان
 روی دجله با غریو و با صدا
 شد تعیین آمر به امر ژوپیتر
 هم خوش و هم ترس و هم لرزان شدند
 تا کنند رسم اطاعت را بجا
 چونکه آمر بود بی جان و سرد
 هیچ آوازی نیامد زین وجود
 خیز و جست کردند به گرد نامور
 نعره ها کردند همه با یک صدا
 تخته چوبی نسازد کار ما
 آمر با سنجش و علم و کمال
 در ره بهبود ملک و وضع ما
 تا دهد پایان حال بی سری
 درهمین چوب است مردم خیر تان
 ورنه زین بد، بدتر آید بعد ازین
 خانه و ناموس تانرا هم تباه
 بعد از آن دیگر نه آئید نزد من
 دیگر عرض تان نه آید پیش ما
 ما نسازیم آمر خود را ملول
 امر و نهیش را اطاعت می کنیم
 همچو جان و جسم یکتا می شود
 جاده و منزل بسازد سر به سر
 هم زراعت صنعت و هم اقتصاد
 کار با شوق مینماید مرد و زن
 راه تعمیر وطن سازد تعین
 مرغ بد هیکل میان ابر ها
 کرد به آواز شنیع مردم را صدا
 گوئی با مردم همیدارد ستیز
 بقیه خورم من، بیارید ناشتا

روز ده بقیه که فربه تر بود وای بحال تان اگر کمتر بود
تا نگویم من، برون آئید زغار نی به روز آئید و نی در شام تار
من نیم چوبی بدون دست و پا روزگار تان کنم کامل تباه
حیف گردیدیم ز ملک خود فرار
از شقاوت های بیرحم و غدار

زندگی نامهء مرحوم ولی زکریا

دکتر ولی محمد زکریا فرزند یار محمد خان رئیس محاکمات وقت در سال ۱۹۲۹ میلادی که برابر است با ۱۳۰۷ هجری شمسی در باغ علیمردان کابل دیده به دنیا گشود. وی مکتب ابتدائیه، ثانوی و لیسه را در لیسه استقلال پیاپیان رسانید، در سال ۱۹۴۹ لیسانس حقوق و اقتصاد را از پوهنتون کابل بدست آورده و به سال ۱۹۵۲ وارد یونیورسیتی سوربن که یکی از پوهنتون های مشهور و عالی فرانسه گردید و دکترای خود را در رشته اقتصاد بدست آورد. وی رساله دکتورا اش را در مورد اقتصاد سویس نگاشته و از آن دفاع نمود. بعداً همین رساله توفیق چاپ یافت و شامل مواد درسی پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل گردید. او بعد از فراغت از پوهنتون سوربن به وطن برگشت و در وزارت های مالی و تجارت ایفای وظیفه نمود و همچنان در پوهنهی حقوق و اقتصاد تدریس مینمود.

دکتر ولی محمد زکریا که در عنفوان جوانی وقتی از فرانسه برگشت، نخله های پرجوش دیموکراسی خواهی، ترقی و پیشرفت، نخستین مایه های بود که در نهاد ایشان شکل میگرفت او را یک جوان بیقرار و پوینده ساخت که هر لحظه در فکر تحول و پیشرفت جامعه بود.

هر چند که ولی زکریا به خانواده اعلیحضرت فقید "بابای ملت" تعلق داشت اما او بی پروا چه در درون خانواده و چه در بیرون حقایق جامعه افغانی را چنانکه درک میکرد بی پرده بازگو میداشت.

دوستان و نزدیکانی که دکتر ولی محمد زکریا وی را خوب می شناختند. می دانستند که در رابطه به مسایل افغانستان کوچکترین گذشتی نداشت. وی میگفت: «اول نباید از افغانستان صحبت کرد، اما اگر صحبت می شود رک و راست و با صداقت تمام باید گفت». از تنقید معامله گران و سودجویان در قبال مسایل افغانستان هیچگاه دست بردار نبود تا بدان حد که دلیل کم التفاتی و بی مهری عده ای هم در برابر وی ناشی از این صفت رک و راست بودنش میتوانسته بوده باشد.

دکتر ولی محمد زکریا در نخستین سالهای بود بعد از کودتای هفت ثور با عده از هموطنان جمعیت افغانهای سویس را پایه گذاری کرد. از لحاظ تاریخی جمعیت افغانها در سویس از جمله پیش قدمترین تشکلات افغانها در اروپا و امریکا محسوب میگردد. دکتر ولی زکریا رئیس هیات اجرائیه آن بود او درین نهاد خدمات قابل قدری از خود بجا گذاشته که برای همه، به ویژه برای نسل جوان در خور احترام است. در سالهای واپسین بخصوص پنجسال اخیر با وجود کهولت و ناراحتی مزمن قلبی با شور و علاقه هر چه بیشتر بدون داشتن هیچ نوع طمع و توقع حتی زودتر و زیاده تر از اعضای اجرائیه در مجالس حاضر میشد و با

- 3 -

انجمن فرهنگ افغانستان "انتشارات بامیان"
18, rue Rhin et Danube - 87280 Limoges - France
Tél/fax : 33 - (0)5.55.35.96.01

E-mail: cultureafghane@free.fr - <http://cultureafghane.free.fr>

نظریات سازنده و بکر خویش به کارهای جمعیت روح تازه میبخشید. او به کاری که منفعتش به مردمش میرسید تا بدان حد علاقه داشت که بار مسئولیت جوانان را که میبایست دین خود را در برابر هموطنان شان در سویش ادا نمایند، او بدوش میکشید. نظریات مرحوم و مغفور در رابطه به شرایط موجود کشور متکی بر واقعینی و درک ناهنجاریها متداوم چند دهه اخیر بوده است. دکتور زکریا در جریان سالهای ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۱ که رژیم طالبان از میان رفت نقش فعالی در کنفرانس های قبرس، نهضت دیموکراسی برای افغانستان در آلمان و کنفرانسهای اتحادیه های سراسری هالند داشت. قریحه و استعدادی که در سرودن شعر داشت و گاهگاهی عوالم و عواطف درونی خود را روی کاغذ می ریخت که متأسفانه دست تقدیر مجال چاپ این برگهای پریشان را به وی نداد. ولی اینک ما آنرا به شما خواننده ارجمند تقدیم میداریم. یکی دیگر از آثار قابل ملاحظه وی کتاب خاطرات اوست که به فرانسوی بنام « دهکده من » نوشته که برای هموطنان و علاقمندان زبان فرانسوی به یادگار گذاشت ولی دریغاً و صد افسوس که خود او هر لحظه چشم به راه رسیدن و دیدن این اثر از چاپخانه بود و آخرین روزی که واپسین نفسها را به فرمان حق تعالی میسپرد، این مجموعه از چاپ خارج شده و به وسیله پست به پست بکس وی مواصلت کرده بود مگر او خود آنرا ندید.

مرحوم تنها از تحلیلگران، نویسندگان و فعالین سیاسی و شعر پردازان افغانستان نبود، بلکه به جرگه خبرنگاران و اهل مطبوعات نیز تعلق داشت زیرا موسس و ناشر جریده میهن بود که به شرکت و همکاری سایر دوستانش چندین سال این نشریه را در سویش نشر و پخش مینمود. به همین سبب نبود او ضایعه برای عالم مطبوعات به ویژه مطبوعات خارج کشوری نیز به حساب می آید.

مجموعه شعری وی بنام "سروده هایی در پریشان حالی" از طبع برآمده که توسط انتشارات بامیان تنظیم و نشر گردیده در سالروز فوت آن مرحومی به تاریخ 7 سپتمبر، بدسترس هموطنان قرار گرفت.